

بسم الله الرحمن الرحيم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران

عنوان:

وجوب توبه و استغفار و دعا و تضرع و توسل در دفع و رفع بیماریها و گرفتاریها و شداید

استاد:

خانم شریفه مجدم

محقق:

گوهر فلاحی – عاطفه فخرایی – شهناز طهماسبی

خرداد ۹۹

چکیده:

انسان آفریده‌ای والا در سراسر هستی است که زندگی او سرشار از آرزو و تمنا است و خواهش و خواستن و رفا و آسایش و رهایی از تلخی‌ها و سختی است. انسان در حرکت زندگی دچار رنج‌ها و مشکلات خواهد شد. خداوند متعال می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» ما انسان را در رنج آفریدیم» در جای دیگر: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» ای انسان تو در حرکت به سوی خدا زجر می‌کشی چه زجر کشیدنی! آنگاه خدا را ملاقات خواهی کرد»

سختی کشیدن به طور واقعی انسان را رشد می‌دهد و باعث می‌شود حقیقتاً روح انسان بزرگ شود. تحمل سختی‌های معقول و صبر و بلایا و پابندی به تکالیف الهی و انضباط‌های دینی راه صحیح بزرگ شدن است. اگر بپذیریم که حیات ما در این دنیا همراه با سختی است دیگر از بی‌تابی‌های بی‌جا خودداری کرده و فرصت بهره‌برداری و اثرپذیری مثبت از بلایا را به خود خواهیم داد.

اساساً انسان بدون زجر کشیدن بزرگ نمی‌شود، بنای کار دنیا هم بر این قرار دارد که ما در سختی‌ها و بلاها قرار بگیریم تا سعی و جودی پیدا کنیم و عظمت و بزرگی را از راه درستش بدست بیاوریم. لذا بهتر است این واقعیت را بپذیریم و از خیالات خام خود خارج شویم و در پس رفا و آسایش دنیایی نباشیم، سختی‌ها انسان‌ساز است و به انسان‌ها بزرگواری می‌دهند. اصولاً راحت‌طلبی و رفاه‌طلبی بیش از حد یکی از عوامل گناه است. سختی‌ها و بلاها موجب می‌شود که انسان ناتوانی خود را درک کند و با همه دارایی‌ها و توانایی‌هایش نیاز خود را به دیگران و به ویژه نیاز خود را به خداوند متعال بیشتر دریابد و روح انسان بزرگ شود.

درون هر انسانی ضمیر ناخودآگاهی به نام فطرت است که این ضمیر ناخودآگاه میل به تضرع و دعا در درگاه الهی دارد و این میل در سختی‌ها و بلاها شدت می‌یابد و انسان را به سوی سکوی قهرمانی که همانا قرب الهی است می‌کشاند.

از منظر قرآن، آنچه بشر انجام می‌دهد (سیئات و حسنات) بر حوادث طبیعی و سرنوشت دنیایی او تأثیر دارد. یکی از عواملی که در سرنوشت انسان‌ها تأثیر دارد: گرفتاریها و بلاها می‌باشد که از دیدگاه علوم تجربی باید شرایطی فراهم شود تا حالت فیزیولوژیک تغییر کند تا بیمار شود. اما قرآن کریم عوامل معنوی را نیز در بوجود آمدن بیماری و بلا و ... سهم می‌داند. در اینجا درصدد هستیم با توجه به اهمیت موضوع با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی تضرع و دعا و استغفار در درمان گرفتاری‌ها و بلاها از دیدگاه قرآن و احادیث پردازیم و به این پرسش پاسخ گونه که از دیدگاه قرآن چه عوامل معنوی می‌تواند موجب سختی‌ها شود. به همین منظور پس از بررسی واژه بلاها و دردها و کارکردهای آن از دیدگاه قرآن و با استفاده از آرای مفسران ارتباط بین عوامل معنوی و طبیعی، شدايد و بلاها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و در پایان این نتیجه بدست آمد که سه عامل دعا و تضرع و توبه و استغفار و قطع امید از اسباب ظاهری در بلاها از عوامل رفع آنها می‌باشد.

واژگان کلیدی: دعا، توبه استغفار

مقدمه

ضروری‌ترین وظیفه انسان از دیدگاه اسلام خودسازی و تزکیه نفس است. و اساس دعوت همه انبیای عظام و ائمه اطهار(علیهم السلام) در طول تاریخ حول این محور مهم بوده است. و یکی از راههای رسیدن به تزکیه نفس دعا و نیایش می‌باشد.

راز و نیاز با خداوند یکی از نیازهای فطری بشر است. آدمی از آغاز بلوغ فکری و روانی، پیوسته خویش را نیازمند یافته تا با کانونی نیرومند پیوند برقرارکند تا بتواند آرامش نفسانی خود را باز یابد و در مسیر پویش روزانه راه بییماید.

دعا و توبه وسیله‌ای است که پروردگار عالم در اختیار انسان قرار داده تا وقتی که اعضا و جوارح و روحيات انسان از مسیر تعیین شده خارج می‌شود بتواند با توسل به این امر خودش را در مسیر اصلی قرار دهد و مشکلات روحی خود را با دعا برطرف سازد، حتی برای بهبودی بیماری‌های جسمی خود از دعا استعانت جوید.

و اگر دعا و توبه طبق شرایط و به شکل صحیحی صورت گیرد، خواه‌ناخواه باعث تقرب واقعی انسان به ذات اقدس الهی می‌گردد و انسان به وسیله دعا و عبودیت به خدا نزدیک می‌شود و دعا زمینه‌ساز آرامش، امید و اطمینان درونی، تحرک و پویایی در زندگی و مصون ماندن از یأس و درماندگی می‌گردد. و هیچ رخدادی با ارزش‌تر از دعا و انس با خدا نمی‌باشد.

ارزش و دعا و توسل به گونه‌ای است که «برترین اعمال و عبادات، مغز و محتوای اطاعات، می‌باشد. دعا کرامت چشمگیری است که افزون بر حل مشکلات ظاهر و باطنی، پاسخ به نیاز فطری، دستیابی به پشتیبان معنوی در زندگی، معرفت و هدایت و رسیدن به تکامل و تقرب الهی می‌شود به طوری که گاه سرنوشت شوم و حتمی انسان به وسیله دعا به تقدیر روح بخش و امیدآفرین تبدیل می‌شود.

حقیقت توبه

یکی از منازل مهم و مشکل، توبه است و آن عبارت است از طبیعت رجوع به سوی روحانیت نفس، پس از آن که نور فطرت به سبب گناهان به ظلمت طبیعت پوشیده شده است. توضیح آن که: نفس در آغاز، مثل صفحه‌ای خالی از نقوش، خالی از هر کمال و جمال و بهجت و صفات متقابل این‌هاست، اما استعداد و لیاقت رسیدن به هر مقامی در او به ودیعت نهاده شده است، اما استعداد و لیاقت رسیدن به هر مقامی در او به ودیعت نهاده شده است. چون گناه کند، در دل او کدورتی حاصل شود و هر چه گناه بیشتر شود، این تیرگی افزایش یابد تا همه دل را بگیرد و نور فطرت خاموش گردد. اگر در بین این حالات، قبل از آن که ظلمت همه قلب را بگیرد، از خواب غفلت بیدار شود و از منزل یقظه به منزل توبه وارد شود و شرایط آن را به جا آورد، از آن حالات ظلمانب به نور فطرت برمی‌گردد و صفحه‌ای خالی می‌شود. در حدیث است: «التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ»؛ هر که از گناه برگردد، مثل کسی است که گناه ندارد.^۱

تضرع و زاری

«ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»؛ خدای خود را به تضرع و زاری و به صدای آهسته بخوانید» در آیه فوق می‌خوانیم خدا را از روی تضرع بخوانید یعنی با کمال خضوع و خشوع و تواضع روی به سوی او آرید در حقیقت دعا کننده نباید زبانش چیزی را بخواهد، بلکه باید روح دعا در درون جان او و در تمام وجودش منعکس گردد. و زبان تنها ترجمان آنها باشد و به عنوان نمایندگی همه اعضای او سخن گوید. و اینکه در آیه فوق دستور داده شده که خدا را به طور «خفیه»

۱. محدثی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۶.

۲. اعراف: ۵۵.

فرمود: امامان از فرزندان حسین (علیه السلام) می باشند؛ هر کس اطاعت آنان نماید تحقیقاً سر از فرمان خدا پیچیده است. آنانند دستگیره محکم و آنانند «وسیله» به سوی خداوند تعالی».

«امالی ابن الشیخ: المفید... عن محمد بن المثنی الازدی، انه سمع اباعبدالله یقول: نحن السبب بینکم و بین الله عزوجل»؛ «راوی شنید از امام صادق (علیه السلام) که می فرمود: مائیم سبب (وسیله نجات از هلاکت و نیل به سعادت) بین شما و خداوند عزوجل».

«ابان بن تغلب، عن جعفر بن محمد قال: نحن حبل الله الذی قال الله تعالی: «واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا»؛ «آبان، از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که فرمود: مائیم آن ریسمان خدا که خداوند متعال فرموده است: مائیم آن ریسمان خدا که خداوند متعال فرموده است: همگی چنگ به ریسمان خدا بزنید و پراکنده نشوید».

«عن جابر عن ابی جعفر قال: آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم هم حبل الله الذی امر بالاعتصام به فقال: «واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا»؛ «به نقل از جابر، امام باقر (علیه السلام) فرموده است: آل محمد اند (علیهم السلام) آن ریسمان خدا که امر به اعتصام به آن نموده و فرموده است: همگی چنگ به ریسمان خدا بزنید و پراکنده نشوید».

«عن النبی (صلی الله علیه و آله و سلم): انه سأله اعرابی عن قوله تعالی: «واعتصموا بحبل الله» فاخذ رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) یده فوضعها علی کتف علی فقال: یا اعرابی هذا حبل الله فاعتصم به فدار الاعرابی ن خلف علی و التزمه ثم قال: اللهم انی اشهدک انی اعتصمت بحبلک؛ فقال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): من سره أن ينظر الی رجل من اهل الجنة فلينظر الی هذا»؛ «مرد بادیه نشین بحضور رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد از آن حضرت تقاضا کرد که مراد از «حبل الله» در آیه «واعتصموا بحبل الله» را که به امر خدا باید عموم امت اسلام، معتصم به آن گردند و چنگ بدان بزنند، توضیح دهد».

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز بی درنگ دست او را گرفت و بر روی شانه «علی» (علیه السلام) گذاشت و فرمود: ای اعرابی، این ریسمان خدا و «حبل الله» است، به او، اعتصام بجوی؛ آن مرد اعرابی

نیز از پشت سر «علی» (علیه السلام) چرخید و آن حضرت (علیه السلام) را در بغل گرفت و گفت: خداوندا من تو را شاهد می گیرم که چنگ به ریسمانت زدم؛ آنگاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: هر که می خواهد به مردی از اهل بهشت بنگرد، به این مرد بنگرد.

لزوم تمسک به «حبل الله» از مسلمات قرآن است. آیه شریفه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» صریح در این است که خداوند حکیم برای نجات آدمیان، از جانب خود، «حبل» و ریسمانی مقرر فرموده و آن را «وسیله» و سبب برای نیل به سعادت و رسیدن به قرب «الله» که نقطه نهائی سیر عبودی انسان است در دسترس ابناء بشر قرار داده و جملگی را امر به اعتصام و چنگ زدن به آن، فرموده است. و این، همان دستور «توسل» و استمداد از غیر خدا است در راه رسیدن به «قرب خدا» که آیه مبارکه با کمال وضوح، امر به آن نموده است.

منتها، از نظر تعیین مصداق و بیان مراد، احتیاج به «سنت» یعنی گفتار رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و عترت آن حضرت که به حکم قرآن کریم، مبین مجملات کتاب می باشد، پیدا می کنیم. و «سنت» نیز چنان که نمونه ای از آن، ارائه شد، در این مقام با اهتمام تمام، «آل محمد» را به عنوان «حبل الله» و «وسیله» ربط بین خدا و انسان، معرفی نموده است.

«شیخ صدوق (رحمه الله) به اسناد خود نقل کرده است از امام باقر (علیه السلام) و آن حضرت (علیه السلام) از آباء کرامش تا رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) که فرمود: «در روز قیامت پس از آنکه بهشتیان در بهشت مسکن گزیدند و دوزخیان به دوزخ درآمدند، بنده ای (که مستحق عذاب است)، هفتاد خریف در میان آتش می ماند، و خریف، هفتاد سال است؛ سپس خدا را می خواند و می گوید: «یا رب اسألك بحق محمد و اهل بيته لما رحمتني»؛ «پروردگارا بحق محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیتش از تو می خواهم که بر من رحمت آوری.»

آنگاه خداوند جل جلاله به جبرئیل دستور می دهد که به سوی بنده ام فرود آی و او را (از آتش) بیرون آر.

۱. آل عمران: ۱۰۳.

جبرئیل عرضه می‌دارد که چگونه من در میان آتش فرود آیم؟ خدا (تبارک و تعالی) می‌فرماید: «من به آتش امر کرده‌ام که بر تو، سرد و سلامت گردد.» می‌گوید: «خدایا من جایگاه وی را نمی‌دانم (که در کدام نقطه از جهنم است) می‌فرماید: «در میان چاهی است از سجین.»

پس جبرئیل میان آتش فرود می‌آید و او را در حالتیکه به زنجیر بسته شده و به صورت (در میان آتش) افتاده است می‌یابد و بیرونش می‌آورد و در پیشگاه خدا می‌ایستد.

خدا می‌فرماید: «ای بنده من، چه مقدار (از زمان) در آتش بوده و مرا به سوگند و قسم می‌خوانده‌ای (و از من، خواستار خلاصی خود بوده‌ای؟) عرض می‌کند: «ای خدای من، نمی‌دانم و از احاطه بر مقدار توقفم در آتش عاجزم.»

خداوند می‌فرماید: «اما و عزتی و جلالی لولا من سألتنی بحقهم عندي لأطلت هو انك في النار و لكنه حتم على نفسي أن لا يسألني عبدٌ بحق محمدٍ و اهل بيته الا غفرتهُ له ما كان بيني و بينه و قد غفرتُ لك اليوم.»؛ «آگاه باش، به عزت و جلال خودم سوگند، اگر نبودند آن کسانی که مرا به حقشان نزد من قسم دادی، هر آینه، بر مدت ذلت و خواریت در آتش می‌افروزم، و لکن بر خودم حتم کرده‌ام که هر بنده‌ای مرا به حق محمد و اهل بیتش قسم داده و سعادت خویش از من بخواهد، او را بیامرزم و از گناهانی که بین من و او است درگذرم؛ و اینک تو را آمرزیدم و از گناهانت درگذشتم. آنگاه او را به امر خدا به بهشت می‌برند.»^۱

۱. ضیاءآبادی، ۱۳۸۰، ص ۲۷ و ۴۱.

نتیجه

دعا و توبه و تضرع یکی از ضروری‌ترین نیازهای بشر به شمار می‌رود. و نیاز فطری که در عمق وجود هر انسانی قرار داده شده است. احتیاج به پشتوانه‌ای الهی که انسان در مسیر زندگی به آن تکیه کند و بتواند خود را در فراز و نشیب دنیا محفوظ بدارد. در واقع مشیت الهی در خلقت انسان رسانیدن او به کمال و تعالی حقیقی است راه رسیدن به کمال بندگی خداوند می‌باشد و این صدا کردن خداوند در موقع بلاها و گرفتاری‌ها هم عبادت است. روایات بسیاری از ائمه معصومین در زمینه جایگاه دعا وجود دارد که خود شاهد بر این مدعاست. دعا و توبه، توسل صمیمی‌ترین شیوه ارتباط بندگان با خداوند است. هر گوشه‌ای با هر حالتی ریسمان دل را به آسمان پیوند زند و خداوند صبورانه شنونده مناجات‌های بندگان خویش می‌باشد.

ربنا تقبل منا إنک أنت السميع العليم

منابع و مأخذ

*قرآن کریم

- ۱- اصفهانی، راغب، المفردات فی الفاظ القرآن.
- ۲- جوادی آملی، ۱۳۹۵، حکمت عبادات، نشر اسراء.
- ۳- حیدری، زینب، ۱۳۸۸، پایان نامه دعا از دیدگاه اسلام.
- ۴- شبر، سید عبدالله، ترجمه: محمد رضا جباران، ۱۳۷۸، اخلاق شبر، انتشارات هجرت.
- ۵- شفقائی زاده، سیدصادق، ۱۳۸۵، اخلاق اسلامی.
- ۶- ضیاءآبادی، سید محمد، ۱۳۸۰، توسل، نشر: بنیاد بعثت.
- ۷- غفاری، ابراهیم، ۱۳۸۰، آیین نیایش، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
- ۸- لقمانی، احمد، ۱۳۸۳، چگونه دعاهایمان مستجاب می شود، قم: انتشارات بهشت بینش.
- ۹- محدثی، جواد، ۱۳۹۶، برکرانه چهل حدیث امام خمینی (ره)، قم: نشر هاجر.
- ۱۰- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۹، بیست گفتار، تهران: انتشارات صدرا.